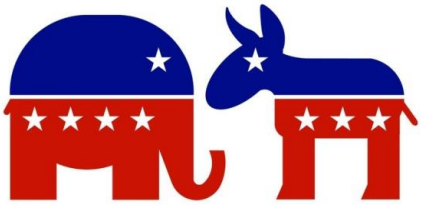
استقلال خپلواکی
www.esteqlaal.net

میرعبدالرحیم عزیز ۱۲نوامبر، ۲۰۲٦

زلزلۀ سیاسی ۳ نوامبر ۲۰۲۶ در امریکا
شکست ذلتبار حزب جمهوری خواه



عدم موفقیت حزب جمهوری خواه در انتخابات ۳ نومبر ۲۰۲۶ و از دست دادن ادارۀ هر دو مجلس کانگرس امریکا، یعنی مجلس نمایندگان و مجلس سنا نتیجۀ یک علت و عامل واحد نبود، بلکه مجموعی از نارضایتی اقتصادی، عملکرد نادرست ادارۀ ترمپ در سیاست داخلی و خارجی و تغییر عقیدۀ رأی دهندگان امریکائی بود. بر مبنای گزارشات منابع مختلف، علل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در باخت جمهوری خواهان نقش عمده داشت که در اینجا خلاصۀ آن را تذکار میدهیم. ناگفته نباید گذاشت که هزیمت حزب جمهوری ضربۀ محکمی بر حیثیت و غرور دونالد ترمپ رئیس جمهور این کشور وارد کرد که تا روز انتخابات خود را یکه تاز میدان در سیاست امریکا و جهان میدانست. خنده آور اینکه شخص ترمپ به نفع یک عده از حامیانش وارد کارزار انتخاباتی شد به این تصور که حضور فزیکی و گفتارش می تواند طرفدارانش را برنده سازد. لاکن نتیجه هم برای خودش و هم برای حامیانش مصیبت بار بود، همچنان غافل از اینکه مردم امریکا روش او را بیشتر مورد سوال و تردید قرار دادند و یک عده از کاندیدان حزب جمهوری خواه هم ناخود آگاه قربانی دست آورد های مردود ترمپ گردیدند. قابل تأمل است که مصارف انتخاباتی ماه نومبر ۲۰۲۶ بالغ بر ۱۲ بیلیون دالر گردید که هر یک حزب جمهوری خواه ۵/۷ بیلیون و حزب دموکراتیک ۲/۵

بیلیون دالر برای مبارزات انتخاباتی به مصرف رسانیدند. حال، علل شکست انتخاباتی جمهوری خواهان را مورد ارزیابی قرار میدهیم:

۱. نارضایتی اقتصادی:

وضع نابسامان اقتصادی یکی از مهمترین عامل درشکست جمهوری خواهان محسوب میشود. ترمپ با وعده های کاذب کاهش قیمت ها و بهبود وضعیت اقتصادی به قدرت بازگشت، اما عده ای از مردم بیشتر با مشکلات اقتصادی روزانه مواجه گشته اند. افزایش مصارف مواد ارتزاقی، گرانی مسکن و کرایه خانه، بلند رفتن قیمت تیل و گاز، افزایش مصارف خدمات صحی، صعود تورم و نگرانی های زایدالوصف در مورد وضع اقتصادی خانواده ها مردم را بر آن داشت که به کاندیدان جمهوری خواه جواب رد بدهند. بسیاری از رأی دهندگان احساس کردند که وعده های اقتصادی ترمپ تحقق نیافته و ادارۀ ترمپ کار های مثبتی برای آسایش مردم انجام نداده است. طبق گزارش رویترز، نزدیک به ۹۰ درصد رأی دهندگان مصارف زندگی را عامل عمده در تصمیم انتخاباتی شان علیه کاندیدان جمهوری خواه دانسته اند. ترمپ و جمهوری خواهان از رشد و رونق اقتصادی حرف می زدند اما بخش بزرگ مردم هیچ گونه بهبودی در حیات روزانۀ خود احساس نکردند.

۲. جنگ با ایران:

تجاوز غیر موجۀ امریکا و اسرائیل بر ایران به یکی از موضوعات مهم انتخابات تبدیل شد و مردم این کشور انزجار خود را از جنگ و حمایت بی قید و شرط امریکا از اسرائیل اعلام داشتند. مردم امریکا از مصارف رو به ازدیاد نظامی، افزایش سرسام آور قیمت انرژی، احتمال گسترش و طولانی شدن جنگ و فقدان یک طرح برای پایان جنگ به ستوه آمدند. بسیاری از امریکائیان معتقد بودند که دولت باید مسایل داخلی را در اولویت قرار میداد تا مشکلات مردم کمتر میشد. رویترز گزارش داده است که نارضایتی از جنگ ایران و افزایش مصارف زندگی نقش مهمی در شکست جمهوری خواهان داشت. نگرانی مردم از گسترش جنگ در شرق میانه، افزایش مصارف نظامی و تاثیر منفی آن بر حیات اقتصادی مردم و بر روابط امریکا با متحدان و ثبات منطقه نقش قاطع خود را در تصمیم و ذهنیت مردم امریکا به ارتباط انتخابات بازی نمود.

۳ . فساد و منافع شخصی:

مردم امریکا اظهار میدارند که فساد در دستگاه ادارۀ ترمپ رخنه نموده است. بر اساس گزارش اسوشیتد پرس، حدود شش نفر از هر ده رأی دهنده معتقد بودند که "ترمپ منافع شخصی خود را بر

منافع کشور ترجیح میدهد." این برداشت مردم برای حزب جمهوری خواه بسیار گران تمام شد. زیرا از نظر گاه مردم، کاندیدان حزب جمهوری خواه نیز با عملکرد ادارۀ ترمپ مرتبط دانسته می شدند .ازینرو، بیشترین کاندیدانی که مورد تأئید و حمایت ترمپ قرار گرفتند، توسط رای مردم نفی گردیدند. معاملات تجارتی مرتبط به خانوادۀ ترمپ، کمک های مالی موسسات و شرکت های بزرگ به پروژه های مورد علاقۀ ترمپ و یارانش و استفادۀ شخصی از موقعیت سیاسی برای بدست آوردن منافع پولی مردم را نسبت به ادارۀ ترمپ مشکوک و بدبین ساخت. انتخابات ۳ نومبر این فرصت را برای مردم امریکا داد تا آهسته آهسته از شر دستگاه حاکمۀ ترمپ رهائی یابند.

۴ . ضعف کانگرس در تقابل با ادارۀ ترمپ:

این موضوع از نظر ساختار سیاسی امریکا بسیار با اهمیت است. عده ای زیادی از مردم امریکا احساس نمودند که کانگرس به قدر کافی در برابر قدرت ترمپ استادگی نکرد. اسوشیتد پرس و رویترز گزارش دادند که تقریباً ۷۰ درصد رأی دهندگان امریکا معتقد بودند "کانگرس برای ایجاد توازن و نظارت در رویاروئی با قدرت رئیس جمهور از خود استقلال عمل نشان نداد." حتی حدود ۴۰ درصد جمهوری خواهان نیز چنین نظری داشتند. این احصائیه به اثبات میرساند که نگرانی به ارتباط تمرکز قدرت فقط محدود به برداشت دموکرات ها و مردم غیر وابسته نبود.

۵ .تعرفه های تجارتی زیان آور:

سیاست تعرفه های تجارتی ترمپ نیز به نگرانی اقتصادی تبدیل گردید. ترمپ وعده کرده بود که با وضع تعرفه ها از صنایع داخلی حمایت می کند، تولید را در امریکا باز می گرداند، عاید دولت را افزایش میدهد، و کسر تجارتی را کاهش می بخشد. اما تعرفه ها مصارف واردات را افزایش داد و بخشی از این مصارف به مصرف کنندگان امریکائی منتقل گردید. در نتیجه، عده ای از مردم این پرسش را مطرح کردند: اگر هدف سیاست اقتصادی ترمپ کاهش مصارف و رفاه زندگی مردم امریکاست، پس چرا سیاست های تجارتی او قیمت اموال و مصارف زندگی را افزایش داده است؟ این تناقض به اعتبار اقتصادی ادارۀ ترمپ صدمه زد و باعث شد که مردم امریکا به وعده های دروغین ترمپ بیش از این باورمند نباشند.

۶ .کاهش محبوبیت دونالد ترمپ:

ترمپ عملاً انتخابات نومبر ۲۰۲۶ را به نوعی از رفراندم در مورد عملکرد خودش تبدیل کرد، اما خودش و همکارانش در قصر سفید و کانگرس درک نکردند که مردم تا چه اندازه از گفتار و کردارش سخت نازاضی بودند. ترمپ از مردم خواست که "انتخابات را اینطور تصور کنند که گویا

خود ترمپ نامزد انتخابات است." لاکن ترمپ نفهمید که در موقفی نبود (نیست) که بتواند با تبلیغات زهر آگین ذهنیت مردم را مسموم سازد. در نتیجه، مخالفان ترمپ انگیزۀ بیشتری برای رأی دادن پیدا کردند. کاندیدان جمهوری خواه نیز قیمت سیاسی محبوبیت پائین رئیس جمهور را پرداختند و قسمتی از رأی دهندگان مستقل هم از جمهوری خواهان فاصله گرفتند. طبق گزارش CBS، فیصدی تأیید عملکرد ترمپ حدود ۳۸ درصد بود که این خود فقدان محبوبیت ترمپ را به اثبات رساند.

همچنان وابستگی بیش از حد برخی نامزدها به حمایت شخصی ترمپ، رای دهندگان مستقل را بیشتر مصمم ساخت که علیه کاندیدان جمهوری خواه صف أرائی نمایند. مردم متوجه شدند که یک عده از کاندیدان استقلال سیاسی نداشتند تا رای مردمان مستقل را جذب نمایند. حمایت ترمپ به عوض امتیاز برای برخی کاندیدان مشکل بزرگ سیاسی خلق نمود. بنابران، به هر اندازه ای که ترمپ در انتخابات سهم می گرفت، به همان اندازه جوانان، رای دهندگان مستقل، رای دهندگان لاتین تبار و مردم ناراضی از وضع اقتصادی علیه ترمپ و کاندیدان مورد حمایتش قدعلم نمودند.

۷ . ناتوانی جمهوری خواهان انتخاباتی سال ۲۰۲٤:

دونالد ترمپ در سال ۲۰۲۴ توانسته بود در حفظ ائتلاف افراد و گروه های متفاوتی از جامعۀ امریکا را گرد هم آورد و با یک ائتلاف وسیع وارد میدان انتخاباتی گردد. اما در انتخابات نیم دوره ئی نومبر این ائتلاف تضعیف گردید و حامیان قبلی ترمپ به مخالفان وی تبدیل گردیدند. بالاخص جوانان و لاتین تبار ها که با حرارت بی سابقه در سال ۲۰۲۴ از ترمپ حمایت کردند، در نومبر ۲۰۲۶، از وی رو دور دادند. جریان انتخابات نشان داد که ائتلاف انتخاباتی ترمپ الزاماً یک ائتلاف پایدار و دائمی نه، بلکه شکنن هم بود. ترمپ و تیم انتخاباتی اش این فهم را نداشتند که شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امریکا را دقیقاٌ ارزیابی نموده و ذهنیت مردم را نسبت به خود و حزب جمهوری خواه مورد ارزیابی قرار میدادند. سرمست از بادۀ پیروزی سال ۲۰۲۴، ترمپ و یارانش حزب جمهوری خواه را به ناکامی مرگبار سوق دادند.

باید اذعان نمود که موفقیت موقتی دموکرات ها به معنای محبوبیت دایمی دموکرات ها نیست. سیستم حزبی در امریکا طوری است که مجال برای تبارز سائر احزاب به آسانی میسر نمی گردد. بنابران، مردم امریکا بدیل دیگری ندارند که بدانسو میلان نمایند. هر دوسال یا چهار سال، یا حزب دموکراتیک یا جمهوری خواه قدرت را در کانگرس یا ریاست جمهوری در دست می گیرند. اگر احیاناً بعضی مواقع فردی مستقل و یا یک جریان سیاسی نو ظهور میکند، به زودترین فرصت از صحنه بدر میشود. عدم موجودیت یک حزب قدرتمند سوم در ایالات متحده، یکی از خصوصیات

بارز نظام سیاسی امریکاست. برخلاف بسیاری از کشورهای اروپائی که سیستم چند حزبی دارند، امریکا عملاً تحت سلطهٔ دو حزب بزرگ، یعنی احزاب دموکراتیک و جمهوری خواه قرار دارد و تا آیندهٔ غیر قابل پیش بینی همچنان باقی خواهد ماند. ازینرو، نباید تصور کرد که مردم امریکا ناگهان به حزب دموکراتیک علاقمند شده و این حزب را ناجی خود می پندارند. مردم امریکا اصلاً دیگر حق انتخاب ند ارند. بنابراین، پیروزی دموکرات ها تا اندازه زیادی با نارضایتی از جمهوری خواهان مرتبط است. در مجموع، جمهوری خواهان سه اشتباه ستراتیژیک را مرتکب شدند:

۱. شخصی سازی حزب یعنی ترمپ شدن حزب، ۲. اولویت دادن بیش از حد به سیاست خارجی وتوجهٔ کمتر به مشکلات داخلی و ۳. شاکی بودن مردم از تضعیف نهاد های مستقل مانند کانگرس که می توانست جلو خودسری های ادارهٔ ترمپ را بگیرد. با توضیحات بالا، شکست حزب جمهوری خواه را بایست در سه ساحه مورد تحلیل و تجزیه قرار داد: ساحهٔ سیاسی، ساحهٔ اقتصادی و نهادی. مردم اکنون این سوال را مطرح می نمایند که آیا انتخابات نومبر ۲۰۲۶، آغاز سقوط سیاسی سلطهٔ ترمپ بر حزب جمهوری خواه و پایان جنبش مگا (MAGA: امریکا را دوباره عظمت ببخشیم) خواهد بود، یا اینکه صرف یک شکست انتخاباتی موقت است؟ این سوال برای درک آینده سیاست امریکا و انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۸ برای مردم این کشور اهمیت اساسی دارد. همچنان، آیا دموکرات ها قادر خواهند بود که موفقیت انتخاباتی نومبر ۲۰۲۶ را به یک موفقیت انتخاباتی ۲۰۲۸ برای بدست کرسی ریاست جمهوری ارتقاء بخشند و یا حد اقل موفقیت فعلی را حفظ نمایند؟ پیروزی احتمالی دموکرات ها در انتخابات ۲۰۲۸ بستگی به چند عامل دارد: اول اینکه، آیا دموکرات ها می توانند وحدت بین دو جناح به اصطلاح چپ و میانه رو حزب را حفظ نمایند؟ دوم اینکه، آیا دموکرات ها قادر خواهند بود که از حزب مخالف ترمپ به یک حزب دارای پروگرام روشن برای ادارهٔ کشور مبدل شوند؟ سوم اینکه، آیا دموکرات ها خواهند توانست یک طرح سالم اقتصادی قابل پذیرش برای طبقهٔ متوسط و کارگران امریکا ارائه دهند؟ چهارم اینکه، آیا دموکرات ها خواهند توانست یک سیاست خارجی متفاوت و معقول به ارتباط روابط با چین، روسیه و بحران ایران عرضه نمایند؟ پنجم اینکه، در صورت بهبودی نسبی وضع اقتصادی در دو سال آینده تحت رهبری ترمپ و جمهوری خواهان، دموکرات ها چه تدبیری برای متقاعد ساختن مردم امریکا خواهند داشت که حزب دموکراتیک نسبت به حزب جمهوری خواه بهتر عمل خواهد کرد؟

بدون تردید که موفقیت انتخاباتی ۲۰۲۶ فرصت سیاسی و اجتماعی قابل توجه برای دموکرات ها داده است، اما انتخابات سال ۲۰۲۸ و عملکرد دموکرات ها در دوسال آینده هنوزغیر قابل پیش بینیست.